



پاسخ آیت العظمی مکارم شیرازی به برخی مسائل حقوق زن

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در مجموعه استفتائاتی به 10 سؤال درباره حقوق زن و فرزند در جامعه و خانواده پاسخ داده و در يك مورد تأکید شده که در صورت به عسر و حرج افتادن زوجه با غیبت هرچند شش ماهه شوهر امکان جدایی و طلاق برای زوجه وجود دارد.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در مجموعه استفتائاتی به 10 سؤال درباره حقوق زن و فرزند در جامعه و خانواده پاسخ داده و در يك مورد تأکید شده که در صورت به عسر و حرج افتادن زوجه با غیبت هرچند شش ماهه شوهر امکان جدایی و طلاق برای زوجه وجود دارد.

متن کامل پرسش‌های مطرح شده و پاسخ‌های این مرجع تقلید به این شرح است:

سؤال 1- آیا بانوان می‌توانند آموزش فنون نظامی ببینند؟

پاسخ: اگر مستلزم گناهی نباشد اشکالی ندارد.

سؤال 2- زنی حق الرّحمه و اجرة المثل کارهایی که در ایام زناشویی در منزل شوهرش انجام داده را مطالبه کرده، ولی شوهر ادعا دارد که همسرش کارها را به قصد تبرّع انجام داده است. در فرض مذکور قول کدام یک مقدم، و بینه بر عهده چه کسی است؟

پاسخ: در محیط‌هایی که عرف و عادت بر آن است که زن به قصد تبرّع این کارها را انجام می‌دهد، ادعای زن برخلاف آن مسموع نیست. مگر این که ثابت کند به شوهرش اعلام کرده قصد تبرّع ندارد، و شوهرش نیز پذیرفته باشد.

سؤال 3- همسر سابقم بعد از چندین سال زندگی و علی‌رغم دریافت نفقه، به عناوین مختلف، موجبات اذیت و آزار بنده را فراهم می‌کرد و خودش نیز تقاضای طلاق خلع کرد. بعد از جاری شدن طلاق، کتبه حقوق خود را از بنده دریافت کرد و طلاهایی را که برای ایشان خریده بودم، به یغما برد، (اکنون در حدود دو میلیون تومان ارزش دارد)، و بنده را از خانه بیرون و مدت دو سال و اندی خانه بنده را غصب کرده است. ایشان ملتزم به دین مقدّس اسلام نبوده، و بدون اجازه از خانه خارج شده، و از ادای وظایف خانوادگی شانه خالی می‌کرده، و اکنون اجرت المثل چندین ساله را از بنده مطالبه می‌کند. آیا اجرة المثل به ایشان تعلق می‌گیرد؟

پاسخ: زن به غیر از نفقه و مهریه، حق دیگری به نام اجرة المثل ندارد. مگر این که از اول ازدواج شرط کند که کارهای منزل را مجاناً انجام نمی‌دهد و در صورتی که چنین شرطی نکرده و عادت، و رسم محیط هم تبرّع در این امور است، حقی ندارد.

سؤال 4- آیا دین مقیاس عدالت است، یا عدالت مقیاس دین؟ به بیان دیگر، آیا دین به هر چه که عدالت باشد امر می‌کند، یا هر چه که دین به آن امر کند، عدالت است؟ و به بیان فنی، آیا عدالت در سلسله علل احکام است، یا در سلسله معلول آن؟ توضیح بیشتر این که: آیا انسانها، مصادیق بارز ظلم و عدالت را از طریق شریعت می‌شناسند، یا عدالت و ظلم برای همه روشن است، و توصیه‌های دین ارشاد به حکم عقل است؟ مستحضرید شیعه نیز مثل معتزله معتقد است که عدالت، مقیاس دین است، و اشاعره دین را مقیاس عدالت می‌دانند. حال سؤال این است که اگر شیعه عدالت را مقیاس دین می‌داند، چرا در استنتاجات فقهی به احکامی می‌رسد که هر عرفی آن را مصداق بینه ظلم می‌داند. بعضی از احکام نکاح چنین است، توجّه فرمایید:

مورد 1- اجماعی است که طلاق به دست مرد است، و مرد می‌تواند هرگاه که اراده کند زنش را طلاق بدهد، هر چند هیچ عذر موجهی نداشته باشد! طلاق غیابی و بدون هیچ عذر موجه، در هر عرفی ظلم محسوب می‌شود. (1)

مورد 2- در بحث عیوب زوجین می‌گویند: "اگر مرد بعد از عقد بفهمد زنش کور یا شل است، خوره یا برص دارد، می‌تواند عقد را فسخ کند. ولی اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش یکی از این عیوب را دارد حق فسخ ندارد؛ باید بسوزد و بسازد!" (2)

مورد 3- مرد هر وقت تمایل داشته باشد زن باید خود را در اختیار او قرار دهد؛ حتی اگر وسط نماز باشد. ولی زن فقط سالی سه مرتبه حق آمیزش دارد، آن هم چنان کوتاه و مختصر که مجال بیان آن نیست. (3)

مورد 4- اگر مرد در شب عروسی همسرش را ترک کند و مسافرت برود، و بعد از ده سال برگردد (در صورتی که نفقه داده باشد)، زن حق اعتراض ندارد! (4) چگونه می‌توان با حفظ مبنای کلامی شیعه، این قبیل احکام را پذیرفت؟ آیا می‌گویید همه عقلاً اشتباه می‌کنند که می‌گویند طلاق مبنی بر هوس و بدون عذر موجه (5) ظلم است؟ همه عقلاً که برای زن نیز (در شرائط تدلیس مرد در موارد فوق) حق فسخ قائلند اشتباه می‌کنند؟

پاسخ: بدون شک فقه شیعه بر اساس ادله اربعه بنا نهاده شده، که یکی از آنها دلیل عقل است. منتها عقل باید قطعی و جامع جمیع جهات باشد، و در مثالهایی که ذکر کرده‌اید متأسفانه اشتباهات فقهیه متعدّدی وجود دارد. مثلاً بند چهارم که نوشته‌اید: "اگر مرد در شب عروسی همسرش را ترک کند و ده سال برنگردد..." این مسئله از نظر موازین فقهی درست نیست. چنانچه زوجه در عسر و حرج بیفتد، و لو بعد از شش ماه بوده باشد، ما اجازه طلاق را می‌دهیم. و تاکنون چه بسیار زنانی که شوهرشان آنها را رها کرده، و از طریق همین فتوا آزادی خود را یافته‌اند.

و در مورد بند سوّم، اوّل مرد نمی تواند در شرائط غیر متعارف مانند وسط نماز یا مواردی از این قبیل، از زن تقاضای تمکین کند، بلکه طبق عرف و عادت باید انجام شود. و ثانیاً در مورد زن نیز در صورتی که ترک آمیزش برای او خطر انحراف جنسی داشته باشد، یا مشکل مهمی ایجاد کند، هرگز انتظار چهار ماه کشیده نمی شود.

و در بند دوّم، در صورتی که توافق طرفین به صورت شرط ضمن العقد، یا شرط مبنی علیه العقد، بر سلامت بوده باشد، هر عیبی سبب حق فسخ می شود.

باقی می ماند بند اوّل، هم اکنون در بسیاری از جوامع بشری زن و مرد حق طلاق را دارند، و می توانند بدون عذر موجّهی از هم جدا شوند. اگر در مورد زن ظلم محسوب می شود، در مورد مرد هم ظلم به شمار می آید. بنابراین ظلم طرفین را در میان عقلا باید پذیرا باشید. از آن گذشته، همان گونه که در دادگاه های امروز

هم دیده می شود، می توان جلوی طلاقهای هوس آلود را گرفت. به علاوه با توجه به این که مرد به هنگام طلاق متحمل خسارات زیادی می شود فرضی که شما کرده اید یک فرض غیر واقعی است که مرد بدون هیچ عذری دست به طلاق بزند، حتماً عذری دارد؛ البته آنچه در بالا گفتیم اجمال مسئله است.

ادامه دارد...

توضیحات اعتدال:

(1) در این سؤال به این نکته توجه نشده که باتوجه به اینکه اسلام مرد را موظف به پرداخت مهر نموده،

ولی برای زن نه تنها برای قبول پیشنهاد ازدواج، او را به چنین تکلیفی موظف نکرده، بلکه او را دریافت کننده مهر دانسته، مگر مرد مرض دارد که هم مهر بدهد و هم مفت و مجانی همسرش را رها کند؟ حال اگر مردی بیمار باشد که بر دیوانه هرجی نیست و اگر عاقل باشد قطعاً زن صالحه ای را که مَرش را پرداخته یا باید بپردازد، بدون دلیل رها نخواهد کرد بنابراین، فرض سؤال، از جمله فرضهایی است که عرفاً و عادتاً تحقق آن محال است.

(2) سؤال کننده فرض را براین گذاشته که زنان آنقدر نادان هستند که وقتی با پیشنهاد ازدواج مواجه می شوند خودشان را می بازند و اوّل، بدون بررسی خود را به دیگ می اندازند و ثانیاً، برای دادن پاسخ مثبت به پیشنهاد ازدواج، هیچ شرطی نمی گذارند!!!! و این توهین به جنس زنان است؛ درحالیکه زن هم حق بررسی دارد و هم حق دارد برای اینگونه موارد شرط بگذارد که اگر با آن مواجه شد بتواند "بله" خود را پس بگیرد

(3) یاللعجب از اغراق!!! و بی اطلاعی!!! اگر چنی ادعایی حقوقی بود بسیاری از مردان نامرد، که می خواهند خود را خلاص کنند در جاهای خاصی تقاضای تمکین می دادند و با نپذیرفتن همسر دادخواست عدم تمکین و و و به هرحال؛ دستورات دینی، گاهی حقوقی و کیفری است و گاهی عبادی و اخلاقی، و این گونه توصیه ها از نوع توصیه های اخلاقی است نه حقوقی و کیفری، زیرا،

الف - چنانچه معظمله در پاسخ فرموده اند "مرد نمی تواند در شرائط غیر متعارف مانند وسط نماز یا مواردی از این قبیل، از زن تقاضای تمکین کند، بلکه طبق عرف و عادت باید انجام شود. و ثانیاً در مورد زن نیز در صورتی که ترک آمیزش برای او خطر انحراف جنسی داشته باشد، یا مشکل مهمی ایجاد کند، هرگز انتظار چهار ماه کشیده نمی شود."

ب - بزرگان و رهبران دین اسلام، همانطور که زنان را به رعایت نیازهای جنسی همسرانشان توصیه کرده اند مردان را نیز به این مسئله ترقیب و تشویق نموده اند

به این چند روایت در مورد آراستگی شوهر برای زن و لزوم آن توجه کنید:

1 - امام باقر (ع) در رابطه با این موضوع می فرماید: " همان طور که شوهران دوست دارند زن خود را زینت شده ببینند زنها دوست دارند شوهر خود را آراسته ببینند. "

2 - پیامبر (ص) خود را با غالیه (عطری خوشبو) خوشبو می نمود بدین صورت که همسران آن حضرت با دست خود پیامبر را با آن عطر معطر می نمودند .

3 - " گروهی نزد امام باقر (ع) آمدند و مشاهده کردند که ایشان خضاب کرده اند (موی سر خود را رنگ کرده اند.) از امام (ع) در آن مورد سؤال کردند ، امام باقر (ع) فرمود : من مردی هستم که همسر را دوست دارم و برای همسر ، خود را آراسته می کنم . "

4 - از مالک بن اعین نقل شده است که : " روزی نزد امام باقر (ع) رفتم و ایشان را ملاقات نمودم در حالی که پوششی به رنگ قرمز به تن داشت . هنگام ورود خنده ام گرفت . آن حضرت فرمود : گمان می کنی نمی دانم چرا می خندی ؟ تو از این لباسی که بر تن دارم خنده ات گرفته است . همانا همسر من از من تقاضا کرد آن را بپوشم و من به دلیل آنکه همسر را دوست دارم علیرغم عدم تمایل خود آنرا پوشیدم . "

"با توجه به روایات ذکر شده بویژه روایت اخیر این نکته قابل اهمیت است که توجه به نیاز و خواست همسر در اسلام تا حدی تأکید شده است که معصوم خواست همسر خویش را که برخلاف تمایل اوست می پذیرد و اجرا می کند که بی شك بیان کننده اهمیت خواست زن از شوهر است.

بی تردید توصیه دین اسلام به آراستگی شوهر برای زنان نتیجه اثرات این عامل بر تحکیم بنیان خانواده و افزایش مهر و محبت بین زن و شوهر است .

5 - از ابی الحسین (ع) نقل شده است که فرمودند : " آراستگی شوهر برای زن ، عفت زن را زیاد می کند."

6 - امام صادق (ع) نیز در این مورد فرمودند: "... مرد به رنگ سیاه خضاب کند که پیامبر فرمود : ... این کار باعث محبت و مهربانی در نزد زنان می گردد ... "

7 پیامبر(ص) در تاثیر آراستگی مردان برای همسرانشان فرمود: "با حنا خضاب کنید ، چرا که این کار دیده را جلا می دهد ، باعث رویش مو می شود ، خوشبو می کند و باعث آرامش زن می شود. "

8 - امام رضا(ع) نیز در خصوص فوائد خضاب کردن ازدیاد توانایی جنسی مرد را ذکر فرموده اند.

امام صادق (ع) فرمود : چهار عمل از اخلاق انبیاء است : 1) عطر زدن 2) با تیغ موی سر را تراشیدن 3) ازاله موهای بدن با نوره 4) کثرت آمیزش با همسر.

(4) معلوم نیست سؤال کننده این ادعا را که #171;زن حق اعتراض ندارد را از کجا آورده است؛ در چنین شرایطی زن می تواند با مراجعه به محاکم و اثبات ادعای خود، خود را خلاص کند و قطعاً مرد نمی تواند به چنین حکم طلاق اعتراض نماید